



به نام خدا سلام

امیدوارم حالتان خوب باشه

من محمد پیام بهرام پور هستم و شما در حال گوش دادن به یکی از فایل های صوتی کانال بیشتر از یک نفر هستید، ما در مجموعه بیشتر از یک نفر تلاش میکنیم که دنیا را جای بهتر برای زندگی کردن بکنیم.

یک خانمی سوال پرسیده اند که در سمینار من در سخنرانی های من مردم معمولا با هم حرف می زنند سرشان در موبایلشان است و به من بی توجه هستند و این واقعا باعث میشود حس بدی داشته باشم چرا اینطوری است؟

چکار کنم به حرف من گوش بدهند؟

یعنی جمله ای که استفاده کردند این بود که چطوری مجبورشان کنم به حرف من گوش بدهند.

خب واقعیتش این است که این دیدگاه مجبور کردن فقط برای دوران مدرسه جواب میده حتی در دانشگاهم دیدگاه امکان پذیر نیست هرچند تو مدرسه هم واقعا امکان پذیر نیست!

شما هیچ وقت نمی توانید یک انسانی را مجبور به کاری کنید مگر به صورت بسیار بسیار موقت و ما در مدرسه دقیقا همینطور بود معلما مجبورمان می کردند به گوش دادن و بعد از یک مدتی تا می توانستیم از هر فرصتی استفاده می کردیم برای اینکه خلاف اون کار را انجام بدیم.

پس اولین دیدگاه این است که ما اصلا نمی توانیم کسی را مجبور کنیم باید یک کاری کنیم که شخص با علاقه و اشتیاق خودش بیاید و یک کاری بکنه که ما در حقیقت یک کاری بکنیم که اون با اشتیاق خودش بیاد به حرف ما گوش بکنه.

حالا چطوری این کار امکان پذیر هستش؟

ببینید تمام انسان ها به فکر منافع خودشان هستند یعنی؛

می خواهند از یک چیزی لذت بپذیرند

یک چیزی یاد بگیرند

اوضاعشان بهبود پیدا بکنه...

اصلا هیچ کسی نمی خواهد بگه؛

نه من میخوام اوضاعم بدتر بشه!

من میخوام زندگیم تلخ تر بشه!

هیچ کسی این را نمیگه پس همه به دنبال منافع خودشان هستند حالا کاری که ما باید انجام بدیم این است که در سخنرانی مان بهشون نفع برسونیم. خیلی واضح بفهمونیم به مخاطب که مخاطب عزیزم که داری به حرف من گوش میدی گوش دادن به صحبت های من این فایده را برای شما داره و این نفع را داره اگر ما هیچ نفعی به مخاطب نرسونیم نفعش این است که با بغل دستیش صحبت کنه بگه حداقل اینجا یک چیزی گیرم بیاد نفعش اینه که بره تلگرام و اینستگرامش را چک کنه.

بنابراین کاری که ما انجام می دهیم بسیار واضح است سعی می کنیم در صحبتمان یک نفعی به طرف مقابلمان برسانیم و شخص کاملا احساس بکنه که از گوش دادن به این صحبت چیزی عایدش میشه و اگر که چیزی عایدش میشه و اگر که چیزی عایدش نشه و در حقیقت اگر گوش نکنه یک چیز مهمی را از دست خواهد داد...

پس ما با این کار می توانیم مقدار قابل توجهی از توجه مخاطب را به دست بیاوریم نه اینکه مجبور کنیم گوش بکنه بلکه کاری می کنیم، شرایطی را ایجاد می کنیم که در صحبت ما احساس ارزشمندی پیدا بکنه و به واسطه اینکه این بحث ارزشمندی وجود داره حالا به صحبت ما گوش میکنه، توجه میکنه و سعی میکنه کمتر با اطرافیان و بغل دستی ها صحبت کنه.

اما هر چه قدر هم که صحبتمون خوب و ارزشمند باشه بعد از یک مدتی تکراری و خسته کننده میشه و کاری که ما باید انجام بدیم اینه که یواش یواش از تکنیک های دیگه استفاده کنیم که خستگی مخاطب رفع بشه مثل استفاده از داستان مثل گفتن یک امار جالب

مثل یک لحظه بلند کردن مخاطب از سر جا البته اگر موقعیت ایجاب میکنه و امکان پذیر است

مثل انجام دادن یک کار گروهی مثل اینکه درخواست بکنیم مخاطب یک اس ام اسی را ارسال بکنه

یا کارهای مختلف دیگه...

یعنی به هر طریقی ما باید از یکنواخت شدن صحبتمان جلوگیری کنیم چه با لحنمان چه با رفتارمون چه با محتوایمان به مدل های مختلف وقتی در ست ارائه بکنیم مطمئن باشید هر مخاطبی به شما به گوش میده چون هر کسی یک چیزی را دوست داره تو دنیا و شما اگر اون چیزی که اونها دوست دارند را پیدا بکنید مطمئن باشید که قطعاً به صحبتتون گوش می دهند.

من برای یک سری از بچه های حالا یک جای مشابه قانون اصلاح و تربیت بود یک جور مثلاً می توانیم بگیم زندان کودکان که منتظرند بچه ها به سن ۱۸ سال برسند که بعد منتقل بشند به زندان یا اتفاق دیگه ای بیفته یعنی بچه ها مجرم در سن پایین.

خب من یک برنامه میخواستم اونجا اجرا کنم مسئول اونجا گفتش اقا این بچه ها دست میندازند برو بچه به خود منم میگفت برو بچه کسی نمیتونه با اینها حرف بزنه خلاصه من اصرار کردم و وقتی پذیرفت قشنگ تو چهرش معلوم

بود که داره یک جووری به من نگاه میکنه که حالا وقتی با گریه از در این مثلا این مجموعه خارج شدی میفهمی که این بچه ها شوخی بردار نیستند واسه من قهرمان بازی در نیارا!

خب من اومدم صحبتتم را توی یک فضای خیلی دو ستانه و عادی با بچه ها شروع کردم و گفتم بچه ها بعد از اینکه رفتید تو دانشگاه تو دانشگاه اگر از یک خانم خوشتون اومد چی کار می خواهید بکنید؟

چطوری می خواهید بهش ابراز علاقه کنید؟

خواستگاری بکنید و اینها با این یک سوال من کل ذهن آنها را بهم ریختم چرا چون تمام کسانی که می آمدند برای اونها صحبت میکردند میگفتند بچه ها جرم و جنایت نکنید نمیدونم اون کار بده شما باید به جامعه آسیب نرسونید و من با این سوال نه تنها یک حق خیلی طبیعی برای اونها قائل شدم شما که دانشگاه میرید حالا از یکی خوشتون اومد چیکار بکنید و بعد صحبت را دقیقا بردم به همین سمت که برای تشکیل زندگی باید چه چیزهایی را بلد باشیم؟ چی کار کنیم؟ چه طوری زندگییم خوب باشه؟ خوشبخت باشیم لذت ببریم و تمام اون ها ساکت و میخکوب داشتند به صحبت من گوش میکردند.

چرا؟

چون من اومدم پیدا کردم که چیزی که در اونها هیچ وقت دیده نمیشد توسط دیگران و حق طبیعی که دارند اما هیچ وقت گفته نمیشه چی هست دست گذاشتم رو همان و رو همون کار کردم و خب نتیجه خیلی عالی هم گرفتم و همه مبهور شده بودند که چطور اینها ساکت نشستند دارند گوش میدهند.

می گفتیم، می خندیدیم، تیکه می انداختند، شوخی می کردیم، اینها کاملا طبیعی واسه چنین جمعی مسلمانا طبیعی است اما میخکوب بودند واقعا توجه می کردند چرا چون من تونسته بودم یک نفعی به شون برسونم اما من معمولا هر کس که می اومد برا شون صحبت میکرد میگفتش که اخلاقیات به این صورت است نمیدونم شما نباید مزاحم جامعه باشید دیگه توبه کنید دیگه فلان من اصلا با اینها کاری نداشتم من گفتم که شما برای زندگی بهتر خودتون چه کارهایی را باید انجام بدید پس این یک توضیح مختصری بود در مورد اینکه ما چطور می توانیم علاقه مخاطب را پیدا بکنیم و بر اساس آن صحبت بکنیم.

قطعا آزمون و خطا داره یعنی یک جایی فکر می کنیم علاقه به یک چیزی بعد میریم وسط صحبت اصلا میفهمیم موضوع مورد علاقه نیست باید موضوع را عوض بکنیم و به روش های مختلف همیشه این کار را انجام داد.

سخنرانی زحمت داره اصلا کار ساده ای نیست به خاطر اینکه شما باید نظر یک نفر دو نفر را نه نظر تمام مخاطبین را باید تا می تونید جلب بکنید و این کار، کار بسیار دشواری هست.

ازتون ممنونم که به این فایل گوش دادید و برای جمع بندی فقط این را خواهم گفتمش که علاقه ی مخاطب را پیدا بکنید و هبش یک نفعی برسونید و به روش های مختلف خستگی اون را از تنش خارج بکنید.



بیشتر از یک نفر...

اگر بیشتر خواستید یک سمینار کامل چهار ساعت در مورد میخکوب کردن مخاطب در سخنرانی اجرا شده که فیلمش موجود است میتونید در اینترنت جستجو بکنید میخکوب کردن مخاطبان در سخنرانی اونجا کامل تمام این تکنیک ها را به صورت مفصل توضیح دادم و گفتم.

ازتون ممنونم من محمد پیام بهرام پور هستم از مجموعه بیشتر از یک نفر جایی که تلاش می کنیم دنیا جایی بهتر و زیباتر برای زندگی کردن باشه. پیروز و موفق و بیشتر از یک نفر باشید. خدانگهدار.